

خبر

باز یگری که ۶ ماه در کما بود و

مرگ که پایانش نبود



۱۸ سال پیش در چنین روزهایی پوپک گلدره از دنیا رفت و مادرش در مراسم تشییع پیکر او سفید پوشیده بود تا به گفتهی خودش «پوپک را خوشحال کنند». در چنین روزی بیٹی را از زبان پوپک خواند با این مضمون: به روز مرگ چو تاپوت من روان باشد!گمان مبر که مرا درد این جهان باشد» تا همان‌گونه که دخترش معتقد بود اعلام کند که «مرگ پایان یک کیوتر نیست.»

به گزارش ایسنا، فروردین ماه سال ۸۵، گلدره خیلی ناگهانی دچار تصادفی شد که در جریان آن به کما رفت و چند ماه بعد جانش را از دست داد. در زمان مرگ، فقط ۳۵ سال داشت و مشغول بازی در سریال پرپیننده دهه ۸۰ یعنی «ترگس» بود. مرگ پوپک در آن زمان شوک بزرگی برای بیننده‌های تلویزیون محسوب می‌شد؛ به نحوی که خیلی‌ها بعد از گذشت ۱۸ سال هنوز بازی را تمام او را که ستاره اسکندری به اتمام رساند، از یاد نبرده‌اند.

سالروز درگذشت پوپک گلدره بهانه‌ای شد تا مروری داشته باشیم بر این رفتن شوکه‌کننده و جایگزینی تلخ این بازیگر که ستاره اسکندری نقشش را تکمیل کرد.

او تنها توانست در ۳۶ قسمت از مجموعه تلویزیونی «ترگس» به کارگردانی سیروس مقدم بازی کند. کارگردان و تهیه‌کننده به‌خاطر اینکه پوپک ۱۰ روز مقابل دوربین بود، به او ۴۸ ساعت استراحت دادند و او هم در پاسخ‌شان گفته بود: می‌روم یک سری به دریا می‌زنم و می‌آیم. اما این رفتن به قیمت همیشه نیامدنش تمام شد. پوپک به آن جا رفت تا برای همیشه در دنیا شپرن دریا باقی‌ماند اما ساخت سریال ترگس باید ادامه پیدا می‌کرد.

او در حالی که مسافر یک خودروی پیکان بود، به دلیل انحراف به چپ راننده و برخورد مستقیم با یک پژو آردی، دچار ضربه مغزی و راهی بیمارستانی در آمل شد و پس از ماه‌ها به‌سر بردن در اغما، در بیمارستان مهر تهران درگذشت.

زمانی که پوپک گلدره تصادف و پس از شش ماه فوت کرد، سازنده‌های سریال یک ماه وقت داشتند تا خود را بازیابی کنند. پس از آن بود که از قسمت ۱۰ خود بازیابی کردند. پس از آن بود که پوپک گلدره شد.

اسکندری با حضور در سی یو بیمارستان مهر تهران از پوپک اجازه گرفت تا به جای او ایفای نقش کند و در آن زمان گفت که «من فقط برای اینکه راش‌های پوپک باقی‌ماند قبول کردم که در سریال «ترگس» بازی کنم و به همین خاطر ادامه کار را به عهده گرفتم. هنوز هم باورم ننگ است‌شود که پوپک از بین ما رفته‌است و احساس می‌کنم او یک امانتی دست من داد و رفت.»

«ترگس» بدون حضور پوپک گلدره ادامه پیدا کرد و به یکی از پر مخاطب‌ترین سریال‌های تلویزیون مبدل شد اما هنوز هم برخی راز موفقیت این سریال در جذب مخاطب را حضور پوپک گلدره می‌دانند.

در قسمت سی و ششم، علاوه بر پخش آخرین حضور پوپک گلدره در این مجموعه، قسمتی به عنوان خداحافظی با او که شامل مصاحبه با خانواده و همکارانش بود، پخش شد. بر روی سنگ مزار پوپک گلدره «دریا طوفانی می‌شود، آرام می‌گیرد، اما هرگز نمی‌میرد» حک شده است، پدر زنده‌یاد پوپک گلدره در این باره گفته است: غمگین هستیم، اما غم ما باشکوه است؛ چراکه فرزندی را از دست دادیم که میلیون‌ها تن به‌خاطر فوت او غمگین‌اند و ما به پشتوانه‌ی محبت مردم زنده هستیم، چراکه آنها، پوپک را بسیار دوست دارند.

به گزارش ایسنا، رضا رشیدپور پس از اینکه اواخر سال گذشته از حضور در تلویزیون انصراف داد، این روزها سر از برنامه جدیدی درآورد؛ برنامه‌ای که به گفته خود این مجری گفت‌وگوهایش در سطح بین‌المللی است و قرار است احتمالا از یکی از پلتفرم‌های داخلی هم منتشر شود. برنامه‌ای که به گفته‌ی او برای دریافت مجوز آن با ۱۲ مدیر فرهنگی در ساترا مواجه شده است. با وجود اینکه این مجری اعلام کرده بود برنامه‌اش نرورز منتشر می‌شود، این اتفاق نیتقاد و به نظر می‌رسد رشیدپور در مذاکره با پلتفرم‌ها هنوز به نتیجه نرسیده است.

برنامه «ساعت صفر» ۵۲ قسمت است که به صورت هفتگی و یکساله قرار است پخش شود و فعلا توافق اولیه برای ۲۶ قسمت است. غلبه اصلی برنامه گفت‌وگو است. این برنامه قرار است که ۲۶ قسمت ضبط و پخش شود و اگر همه شرایط فراهم باشد ۲۶ قسمت بعدی هم ساخته و پخش خواهد شد.

به گفته این مجری غیر از مهمانانی از ایران و ترکیه که به آن پیشتر اشاره کرده و تصاویری هم منتشر شده بود، با چهره‌های مختلفی از جغرافیاهای مختلف، مهمانان آمریکایی، آلمانی و … دیدار خواهد داشت.

«**ساعت صفر» و قضایای متفاوت از «دید در شب»**، «**عبور شیشه‌ای»** و «**شب شیشه‌ای**» پیش‌تر توضیحات مختصری درباره برنامه «ساعت صفر» منتشر شد اما این مجری در توضیحاتی بیشتر در گفت‌وگویی با مجله ساترا (کد اعلام کرده است: «ساعت صفر» یک برنامه گفت‌وگو محور با فضای متفاوت از «دید در شب»، «عبور شیشه‌ای» و «شب شیشه‌ای» است. موضوع همان است، یعنی گفت‌وگو، اما نوع گفت‌وگو و نتایج آن با «دید در شب» متفاوت خواهد بود. نگاه این برنامه به حوزه بین‌الملل اختصاص دارد و اولین بار است که ما در حوزه فرهنگی، هنری و اجتماعی قصد داریم مهمان‌هایی غیر از جغرافیای ایران داشته باشیم. تعدادی از گفت‌وگوها ضبط شده‌اند و تعدادی در حال ضبط شدن هستند و البته مهمانان ایرانی هم خواهیم داشت که مثل سابق از بین چهره‌های فرهنگی و اجتماعی و هنری خواهند بود. تقریباً روال برنامه روز پخش خواهد بود، یعنی به این صورت نیست که تولید تمام شود و بعد از آن ما پخش را آغاز کنیم، به موازات این‌که برنامه از یکی از پلتفرم‌ها پخش می‌شود، ما تولید را هم با توجه به مختصات روز ادامه خواهیم داد و امیدوارم بتوانیم به آن اهدافی در ذهنمان است در عمل هم دست پیدا کنیم.»

ساده‌ترین نوع و سخت‌ترین نوع برنامه‌سازی گفت‌وگو است

این مجری درباره‌ی اینکه آیا قرار است در برنامه «ساعت صفر» مهمانان داخلی هم داشته باشد؟ گفته است: «ساده‌ترین نوع برنامه‌سازی گفت‌وگو و سخت‌ترین نوع آن هم گفت‌وگو است. به همین دلیل آن قدر با چهره‌های داخل ایران گفت‌وگو شده است که احساس می‌کنم بیننده از تماشای سلب‌ریتی‌ها در برنامه‌های گفت‌وگو محور خیلی خسته شده است و سعی می‌کند دیگر این برنامه‌ها را تماشا نکند. انتخاب مهمان از بین ایرانی‌ها بسیار سخت است، اما قول می‌دهم آنهایی که از بین چهره‌های ایرانی جلو دوربین می‌آیند خیلی متفاوت باشند و ویژگی خاصی داشته باشند که جذابیت برای گفت‌وگو را حتما ایجاد کنند، اما مسلما سراغ سلب‌ریتی‌های سینما و… خیلی کمتر خواهیم رفت.» رشیدپور که پیش‌تر برای دریافت مجوز برنامه

برنامه‌های بزرگداشت سعدی اعلام شد



همزمان با اول اردیبهشت‌ماه، روز بزرگداشت سعدی، پژهان در شیراز بر خوان سعدی می‌نشینند. به گزارش ایسنا، کوروش کمالی سررستانی، مدیر مرکز سعدی‌شناسی گفت: در اول اردیبهشت‌ماه جلالی که «برگ سرخ از غم افتاده لالی» در شیراز جنت‌طراز سعدی‌پژوهان بر خوان سعدی می‌نشینند و هر یک از ظن خویش یار او می‌شوند. او افزود: نخستین یادروز سعدی در اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۷ در

لیست ۱۵۰ نفره رشیدپور برای گفت‌وگو چه افرادی هستند؟

تجربه رشیدپور از مواجهه با ۱۲ مدیر برای گرفتن مجوز

رضا رشیدپور که این روزها به دنبال مقدمات پخش «ساعت صفر» برای پخش از یکی از پلتفرم‌هاست، به گفته خودش برای دریافت مجوز این برنامه با ۱۲ مدیر فرهنگی مواجهه داشته است. این مجری اخیرا هم با حاشیه‌ای از جنس اعلام خیر فوتش درگیر شد اما واقعهی واقع در این قرار بوده که این حاشیه مربوط به سکانسی از فیلم «سال گریه» است.



و گسترده‌گی پخش دارند، نمایش داده شوند. طبیعتا برنامه‌های این‌چنینی باید در تلویزیون ساخته شوند. وظیفه‌ی تلویزیون‌است که در مورد فرهنگ، گردشگری و جاذبه‌های ایران برنامه بسازد نه بخش خصوصی و شبکه نمایش خانگی. بارها این را گفته‌ام. زمانی که در تلویزیون هم برنامه داشتم توصیه می‌کردم برنامه‌ها را به این سمت ببریم. مسابقه بسازیم که چه؟ شاید حداقل ایده‌آلی‌هایی که از کار فرهنگی در ذهن من وجود دارد در یک مسابقه محقق نمی‌شد. بحث «حالا خورشید» چیزی دیگری بود، اما واقعا دوست نداشتم که در یک برنامه سرگرم‌کننده حضور داشته باشم. به شدت به کاری که الان در حال تولید آن هستم علاقه‌مندم و برای انتشار آن هم راه دیگری جز شبکه نمایش خانگی ندارم.»

رشیدپور درباره‌ی فعالیت شبکه نمایش خانگی در ایران را در مقایسه با سایر کشورها نیز اینچنین گفته است: «ناباورانه باید بگویم ما در حوزه تولید

وی‌اودی بسیار با کیفیت‌تر، استانداردتر و قابل قبول‌تر از همه کشورهای منطقه هستیم. به همین منظور چندی پیش در جلسه‌ای پیشنهاد دادم محصولات‌تان در حوزه وی‌اودی را در سطح منطقه بفروشید یا در کشورهای دیگر نمایشگاه‌های مدیا برگزار و محصولات پلتفرم‌های ایرانی را ارائه کنید.

در کشورهای حوزه عرب‌زبان به شدت نیاز به تولید محتوا وجود دارد و تولید محتوای خودشان اصلا استاندارد نیست. حتی در تلویزیون‌های بزرگشان هم محتوای استاندارد کم دارند. البته ترکیه در این حوزه قوی است، اما حتی در این کشور هم می‌توانیم به خوبی برای محصولات ایرانی بازاریابی کنیم، زیرا بدون اغراق نه تنها ایران در حوزه برنامه‌سازی و تولید محتوا با ترکیه برابری می‌کند که حتی در ترکیه هم المان‌ها ما جلوتر از سایر کشورهای منطقه هستیم.»

ماجرای انصراف از تلویزیون
رضا رشیدپور نخستین فعالیت‌های خود را با شیراز برگزار شد؛ روزی که به یمن خوبی‌ها و زیبایی‌های اندیشه سعدی چون شعر و نامش جهانگیر شد و همزمان با شیراز در برخی از شهرهای ایران و جهان دوست‌دارانش به جشن نشستند و از خون حکمت و عشق و شورش خوش‌ها چینه‌د.

کمالی گفت: سعدی یگانه‌ای است که سحر کلامش به غایت اعجاز دست می‌یازد و از آن‌روست که ذکر جمیلش در افوام‌ عام افتاده وصیت سخنش را که در بسپط زمین رفته، همچون شکر می‌خورند و رقع‌ه منشآتش را چون کاغذ زر می‌برند. سعدی بزرگ

ی‌بوسته به انسان عشق می‌ورزد و همین عشق است که او را در جهان پرآوازه می‌سازد به‌گونه‌ای که بازتاب افق اندیشه‌اش، بنی‌آدم را اعضای یکدیگر می‌داند و همگان را در آفرینش ز یک گوهر و چنین است که جهان‌گیر می‌شود. سعدی نیک‌گفتار و نیک‌بندار و ژرف‌بین است و با زبان، هنر، حکایات و تمثیل‌های خویش رهنمودی است بر عدالت و دادگری، حق‌پذیری و انسان‌مداری. مدیر مرکز سعدی‌شناسی درباره برنامه‌های علمی یادروز سعدی در اول اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ گفت: علاوه بر برنامه‌های فرهنگی و هنری، در بخش علمی استادان ارجمندی چون دکتر میرجلال‌الدین

گزارشگری و اجرا در اوایل دهه ۷۰ آغاز کرد و از اواسط دهه هشتاد با اجرای برنامه‌هایی همچون «شب شیشه‌ای»، «عبور شیشه‌ای» و «مثلث شیشه‌ای» به شهرت رسید. رشیدپور در همین سال وارد سینما شد و بعد از یک دوری پنج ساله از تلویزیون، دوباره در سال ۱۳۹۲ با کارگردانی برنامه طنز «عینک آفتابی» در شبکه نسیم، دوباره به صداوسیما بازگشت. از اوایل اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ رشیدپور مجددا به صورت رسمی وارد صداوسیما شد و اجرای برنامه «حالا خورشید» از شبکه سوم سیما را آغاز کرد که این برنامه نیز در اواخر سال ۱۳۹۷ به پایان رسید. در اسفندماه ۱۳۹۷ رضا رشیدپور در کنار احسان علیخانی، محمد دلوری و رامبد جوان به عنوان مجریان برتر جام جم برگزیده شدند.

به گزارش ایسنا، رضا رشیدپور قرار بود پس از مدت‌ها دوری از قاب تلویزیون با اجرای یک مسابقه به تئتن صداوسیما بازگردد اما به دنبال حاشیه‌های پیش‌آمده پیرامون بازگشت او و محمدرضا گلزار به تلویزیون و انتقاد و خط و نشان کشیدن برخی مجریان فعال روی آنتن، رشیدپور با انتشار ویدئویی از اجرای این مسابقه انصراف داد. در پی این اتفاق، خط و نشان‌ها تمام شد اما برنامه‌های گلزار و رشیدپور هم پخش نشدند. هرچند پس از مدتی محمدرضا گلزار با «پانتولیگ» به تلویزیون بازگشت ولی از بازگشت رشیدپور همچنان خبری نبود.

این مجری باسابقه تلویزیون که اجرای برنامه‌های گفت‌وگومحور قابل توجهی همچون «شب شیشه‌ای» و «مثلث شیشه‌ای» را در ساختار هارتاک برای تلویزیون برعهده داشت، پیش از انصراف از اجرای برنامه در تلویزیون، قرار بود اجرای سری جدید مسابقه «صبح‌آدم (آخر)» در شبکه سه سیما را بر عهده بگیرد؛ یک مسابقه اطلاعات عمومی که پخش خود را از سال ۹۹ آغاز کرد و پس از سه فصل، در اسفند سال ۱۴۰۰ به پایان رسید.

فرهنگ و هنر

اخبار

یادبود باستانی پاریزی ۱۰ سال پس از رفتن

مراسم یادبود محمدابراهیم باستانی پاریزی به مناسبت دهمین سالگرد درگذشت این تاریخ‌دان

و استاد دانشگاه برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، این مراسم روز پنجشنبه، ۳۰ فروردین‌ماه از ساعت ۱۶ در باغ موقوفات دکتر محمود افشار واقع در خیابان ولیعصر، سه‌راه زعفرانیه، خیابان عارف‌نسب، شماره ۱۲ برپا می‌شود.

در این مراسم سیدمصطفی محقق داماد، ژاله آموزگار، سمین فصیحی و حسن باستانی‌زاد سخنرانی خواهند کرد. همچنین پیام‌های تصویری حسن انوری، منصوره اتحادیه، داریوش رحمانیان و روزبه زرین‌کوب در مراسم پخش خواهد شد.

پخش نمایش «بی‌انتهاز از عشق» شهرام ناظری، اجرای موسیقی جواد بطحایی، رونمایی آثار اهدایی نقاشی خط و پوستر «تا صدسالگی» آینه‌دار دوران به دبیری سیدعباس دعایی، پیش‌نمایش فیلم مستند «یاد و یادبود» و به‌گزین فیلم‌های تازیباز از محمدابراهیم باستانی پاریزی به سعی جواد میرهاشمی و حسن نیک‌بیخت از دیگر بخش‌های این مراسم خواهد بود.

گزارش ده‌ساله از وضعیت کتاب‌ها، دست‌نوشته‌ها و تازه‌های نشر باستانی پاریزی با همراهی فیروزا پورامید و نمایشگاهی از آثار اهدایی استادان فریخته هنر با یاد باستانی پاریزی به برنامه آینه‌دار دوران نیز بخش‌های دیگر این مراسم یادبود اعلام شده است.

محمدابراهیم باستانی پاریزی سال ۱۳۰۴ در پاریز از توابع شهرستان سورجان در استان کرمان متولد شد و در سال ۱۳۲۶ در دانشگاه تهران در رشته تاریخ تحصیلات خود را پی گرفت. باستانی پاریزی دوره دکتری تاریخ را هم در دانشگاه تهران گذراند و با ارائه پایان‌نامه‌ای درباره این اثر، دانشنامه دکتراي خود را دریافت کرد. او کار خود را در دانشگاه تهران از سال ۱۳۳۸ با مدیریت مجله داخلی دانشکده ادبیات شروع کرد و تا سال ۱۳۷۸ استاد تمام‌وقت آن دانشگاه بود.

باستانی پس از ۹۰ سال زندگی به علت بیماری کبدی صبح سه‌شنبه پنجم فروردین ۱۳۹۳ از دنیا رفت.

از او بیش از ۶۰ کتاب و صدها مقاله درباره جنبه‌های مختلف تاریخ ایران به‌ویژه «تاریخ جغرافیای کرمان» به‌جا مانده است. آثار «هفت‌کانه» او که همگی نام هفت دارد از جمله آثارش است: «خاتون هفت‌قلعه»، «آسیای هفت‌سنگ»، «نای هفت‌بند»، «آزادهای هفت‌سر»، «زیر این هفت آسمان» و «سنگ شد که به‌بیشنهاد ایرج افشار «هشت‌الهیّت» نام گرفت. آخرین کتاب باستانی به‌نام «کوه‌ها باهم‌اند» نیز بعد از درگذشت او منتشر شد. «یعقوب لیل» و «تلاش آزادی» از دیگر کتاب‌های او هستند.

بهروز افخمی در تدارک اکران و ساخت فیلم و تمام کردن رمانش از ماجرای قتل مهرجویی

بهروز افخمی در تدارک اکران تابستانی «استاد» و «صبح‌آدم» است.

بهروز افخمی که در جشنواره فجر سال گذشته برای فیلم «صبح‌آدم» سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را دریافت کرد، در گفت‌وگویی با ایسنا از برنامه‌ریزی برای اکران این فیلم خبر داد.

او که فیلم «استاد» را هنوز اکران نکرده است، گفت: قصد دارم هر دو فیلم را تابستان امسال

در سینماها به اکران عمومی برسانم. «استاد» به کارگردانی عماد حسینی نخستین تجربه کارگردانی این فیلمساز بود که به تهیه‌کنندگی بهروز افخمی ساخته شد. افخمی قصد دارد به عنوان تهیه‌کننده دومین فیلم عماد حسینی را نیز جلوی دوربین ببرد و به دنبال گرفتن پروانه ساخت آن است.

فیلم «استاد» که در جشنواره فجر دو سال قبل رونمایی شد، داستانی را با بازی حسن معجونی با اشاره به ماجرای جنبش «می‌تو» روایت می‌کند. فیلم «صبح‌آدم» نیز از ژانر تاریخی – سیاسی معاصر، روایتگر آخرین ساعت‌های پیش از تیرباران طبیب حاج‌ضایی و اسماعیل رضایی است.

افخمی همچنین به ایسنا گفت: یکی از برنامه‌های سال جدیدش تمام کردن رمانی است که می‌خواهد در ارتباط با قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر بنویسد.

با زیرآبرو برداشتن و شلوار یاره در آمد میلیاردری کسب می‌کنند!

را با حوزه هنری تولید کردند که ۱۵ دقیقه بود و سال‌ها مداوم از رسانه ملی پخش می‌شد اما دیگر رسانه آن را پخش نمی‌کند. آیا دست‌هایی در کار است یا آگاه نیستند؟ شاید هم به اشتباه فکر می‌کنند زمانش گذشته است! اگر همچین فکری دارند پس باید مولانا پژوهی را هم کنار بگذارند. سنت یعنی اصول! از همین حوزه هنری زمانی که هیئت‌ی اداره می‌شد، آثار خوب بیرون می‌آمد اما از وقتی تبدیل به سازمان اداری شد، ساز و کار تغییر کرد. یادمان باشد، «پول» تولید هنر نمی‌کند.

مهودی تصریح کرد: دنبال داندو غیر قانونی هستیم؛ نماز هم می‌خوانیم! **مدیران با برده ستاره‌ها شده‌اند!**

او در بخش دیگری از سخنانش درباره نحوه مدیریت فعلی موسیقی اظهار کرد: مدیران ما برده ستاره‌ها شده‌اند. در نوروز چهره‌های سینمایی را با میلیون‌ها پول دعوت می‌کنند اما در این برهه تاریخی و بعد از عملیات مهم «وعده صادق» که بیانگیز اقتدار نظامیان و مهندسان ایرانی است، «باز هوای وطنم آرزوست» را پخش نمی‌کند!

مهودی معتقد است: ما برنامه‌هایی تخصصی را تعطیل کردیم اما جشنواره‌هایی برگزار می‌کنیم که رسماً (شو) هستند. الان فقط شرکت‌ها و موسسات موسیقی آمده‌اند و می‌گویند خواننده روی صحنه چه بخواند و چه بپوشد؟

کنسرتهشان هم پر می‌شود؛ چون برای خواننده‌شان در اتوبان بیلبورد می‌گیرند اما کسی برای موسیقی دستگانهی این کار را نمی‌کند. متأسفانه مدیریت‌های موسیقی در ایران «پول» را انتخاب کردند.

ما نسل جوان را از دست دادیم

بخش دیگری از این نشست به عوامل حذف برخی گونه‌های موسیقی مثل موسیقی گل‌هایی اختصاص داشت که مسعود کوثری در این باره توضیح داد: یکی از دلایلش این است که مرکز حفظ و اشاعه با نگاهی اگزوتیک و موزه‌ای درست شد و این روحیه در افراد وجود داشت. نکته دوم اینکه بک نوع خصلت خانقاهی در سبک آموزش مرکز حفظ و اشاعه وجود داشت و روحیه اهل اخوت در این افراد دیده شد که در نهایت هم خیلی‌ها مثل زنده‌یاد لطفی نتوانستند با آن کنار بیایند و از مرکز بیرون آمدند. نکته سوم اینکه تعریف مشخصی از سنت وجود نداشت. خود سنت در ارتباط با مدرنیته پیدا شده است. تعریف درستی از موسیقی سنتی وجود نداشته است و خود اهالی مرکز حفظ و اشاعه نتوانستند چندان شکوفا شوند. این استاد دانشگاه درباره وضعیت فعلی موسیقی پاپ نیز گفت: موسیقی در جهان وارد مراحل جدیدی شده است که با گذشته بسیار متفاوت است. ما بهره موسیقیدانان تا سال ۵۷ را بردیم اما نتوانستیم، استفاده کنیم. ما نسل جوان را از دست دادیم. آمدم موسیقی را درست کردیم و آدم میانسال جذب کردیم. نسل جوان از دست ما در رفت و ذائقه‌اش عوض شد. در عرصه موسیقی مدیران لایقی داشتیم که شیوه مدیریتشان آنها را ناکارآمد کرده بود. محدودیت‌هایی که به آنها اعمال شده بود، نمی‌گذاشت تمام و کمال کار کنند.

یادمان باشد، «پول» تولید هنر نمی‌کند

رضا مهودی نیز در این باره با بیان مثالی گفت: آقای سراج سال۶۰ اثری